

## بررسی اثر سیاست مالی و پولی بر عدالت اقتصادی ایران

نجمه بیدمال

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی سیستم های اقتصادی (گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه ولی عصر (عج)، رفسنجان)

نویسنده مسئول: نجمه بیدمال (najmeh.bydmal@yahoo.com)

**چکیده:** یکی از مهم ترین اهداف مطالعات توسعه ای، کاهش فقر و ارتباط آن با عدالت است. از این رو، این پژوهش اثر سیاست های مالی و پولی را بر عدالت اقتصادی ایران برای سال های بعد از انقلاب اسلامی با استفاده از روش DOLS پرداخته است. یافته های تحقیق نشان داد که در خصوص سیاست های مالی، متغیر مالیات مستقیم اثری مثبت، مالیات غیرمستقیم اثری منفی و هزینه های دولت عمرانی و جاری تأثیری مثبت بر عدالت اقتصادی داشته اند. اثر سیاست های پولی به این شرح است که نرخ بهره اسمی و تقاضای پول رابطه منفی و رشد نقدینگی رابطه مثبت با عدالت اقتصادی داشته اند. لذا لازم است که سیاست گذاران و تصمیم سازان کلان کشور شناخت درستی از عدالت اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن با توجه وضعیت و شرایط اقتصادی کشور برای تجزیه و تحلیل بهتر مسائل و همچنین ارائه راهکارهای صحیح و مناسب جهت برقراری عدالت بیش از گذشته مورد توجه و اهمیت قرار دهند.

**کلمات کلیدی:** عدالت اقتصادی؛ عدالت؛ سیاست مالی؛ سیاست پولی؛ ایران.

### ۱. مقدمه

قبل از اینکه به بررسی اثر سیاست مالی و پولی بر عدالت اقتصادی (توزیع درآمد) بپردازیم لازم است بین دو واژه توزیع اولیه درآمد و توزیع مجدد درآمد تفاوت قائل شد است. در تعریف توزیع اولیه درآمد که مبتنی بر عوامل تولید است و توزیع مجدد درآمد منوط به حضور دولت است. دی ملو و تیانگسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) بیان می کنند که توزیع عادلانه درآمد به عنوان یکی از هدف های مهم برنامه ریزی هر کشوری به حساب می آید.

وجود نابرابری های گسترده در توزیع درآمد به بروز فقر و افزایش داخلی آن و ایجاد شکاف بیشتر در طبقات جامعه منجر می شود. که از بُعد اقتصادی افزایش فقر با تأثیری که بر سطح سلامت، بهداشت، تغذیه و آموزش افراد جامعه دارد باعث کاهش بهره وری اقتصادی و کاهش رشد اقتصادی و تولید و درآمد ملی شده و در یک دور باطل مجدداً منجر به تشدید فقر می شود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۷۶). دیرباز (۱۳۸۰) اظهار داشت که عدالت بیشتر در سخنان امامان معصوم (ع)، آن را حق معرفی کرده اند؛ هرگاه حق کسی ضایع شود از عدالت استفاده می کنند. اگر عدالت را از سخنان حضرت علی (ع) را به معنای مراعات حقوق در نظر بگیریم؛ حق اقتصادی برای ضعیفان و محرومان و فقیران جامعه، برای تأمین حداقل نیازهای اقتصادی شان و برای عموم مردم تأمین رفاه نسبی را می توان استفاده کرد (بیدمال، ۱۳۹۹).

یکی از چالش های مهم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شناخته شده در کشور فقر و نابرابری است هر برنامه عملی برای ریشه کنی فقر و نابرابری مستلزم شناخت عوامل مؤثر آن، و به کارگیری سیاست ها و برنامه های مناسب برای مقابله با آن و اجرای موفقیت آمیز این سیاست ها و برنامه ها است (هادی زنون، ۱۳۸۴) و همچنین یکی از مهم ترین اهداف مطالعات توسعه ای، کاهش فقر و تعامل آن با عدالت است (باقری و کاوند، ۱۳۸۷)، و عدم توجه به عدالت می تواند جهش و پیشرفت کشور را در بلندمدت از مسیر اصلی خود منحرف سازد از آنجاکه پیشرفت همه جانبه جامعه مصداق بارز عملکرد مطلوب دولت در برقراری عدالت در جامعه می باشد و در واقع سعی دولت باید بر آن باشد تا جامعه را در موفق ترین وضعیت قرار دهد (انصاری نسب، افیشم و بیدمال، ۱۳۹۹).

همان طور که در مطالب فوق گفته شده است یکی از مهم ترین چالش های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی فقر و نابرابری است و به عنوان یکی از مهم ترین اهداف توسعه ای کاهش فقر و نابرابری شناخته شده است و که بی توجهی به آن مشکلات زیان باری را برای جامعه می تواند به وجود می آورد. از این رو در این مطالعه به مرور و بررسی سیاست مالی و پولی بر عدالت اقتصادی خواهد پرداخت که در ادامه، در بخش دوم به مبانی نظری در رابطه با اثر سیاست های مالی و پولی بر عدالت اقتصادی (توزیع درآمد) خواهیم پرداخت بخش سوم به مطالعات خارجی و داخلی صورت گرفته بر تأثیر سیاست مالی و پولی بر عدالت اقتصادی (نابرابری) پرداخته شده و در بخش چهارم روش تحقیق به معرفی متغیرها و الگو به کار گرفته شده بررسی خواهند شد. در بخش پنجم و ششم به ترتیب به یافته های تحقیق که به نتایج حاصل از برآورد الگو و جمع بندی و نتیجه گیری بحث ارائه خواهد شد.

### ۲. مبانی نظری

بانک جهانی<sup>۲</sup>، (۱۹۹۲) بیان می کند که حکومت خوب، مکملی ضروری برای سیاست های اقتصادی سالم است و همچنین محور برای ایجاد و تأمین محیطی است که باعث توسعه مستحکم و عادلانه خواهد شد. که در ادامه به بررسی سیاست مالی و توزیع درآمد و سیاست پولی و توزیع درآمد خواهیم پرداخت.

#### ۲.۱. سیاست مالی و توزیع درآمد

<sup>۱</sup> De Mello

<sup>۲</sup> World Bank

از زمانی که ضرورت «دولت رفاه» مطرح شد، در بیش تر جوامع، دولت در کنار نقش‌های تخصصی و تثبیتی نقش توزیعی را هم بر عهده دارد. در چارچوب نارسایی‌های بازار، تنها بحث نارسایی در کارایی، تخصیص منابع و تثبیت اقتصادی مطرح نیست؛ بلکه مشکلات دیگری مانند مشکل توزیع درآمد، و نابرابری هم وجود دارد. از آنجا که بخش خصوصی با استفاده از مکانیسم بازار می‌تواند کارایی اقتصاد را تحقق بخشد، اما انگیزه کافی برای رساندن جامعه به یک وضعیت توزیع عادلانه درآمد را ندارد. کمک‌های اختیاری ثروتمندان به فقیران، خیرات، صدقات و امثال آن نیز به‌گونه‌ای نیست که بتواند مشکل نابرابری و توزیع غیرعادلانه را حل کند؛ زیرا در این نوع اقدامات بخش خصوصی در چارچوب بازار به‌نوعی ارتباط «سواری مجانی»<sup>۱</sup> وجود دارد؛ یعنی بخش خصوصی و بازار، خود را موظف به اقدام رسیدن به یک وضع توزیع عادلانه نمی‌دانند و امکان شانه خالی کردن برای این موضوع وجود دارد (تولارد، مایکل، ۱۳۷۰: ص ۲۵۰). در شرایطی که توزیع درآمد در جامعه ناعادلانه شود، دولت می‌تواند با استفاده از ابزارهایی همچون نظام مالیاتی و یا سازمان‌دهی نظام پرداخت یارانه، توزیع درآمد را عادلانه‌تر کند. افزایش مخارج دولت در بخش‌هایی نظیر بهداشت، تغذیه کودکان و نظام آموزشی، به‌خصوص برای طبقات کم‌درآمد، می‌تواند در توزیع مجدد درآمد به نفع طبقات کم‌درآمد مؤثر باشد و به این ترتیب توزیع درآمد در جامعه عادلانه‌تر شود (گسگری و اقبالی، ۱۳۸۶). حکومت‌ها با استفاده از سیاست‌های مالی برای تثبیت اقتصادی که یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها است، گام برمی‌دارند تا از این طریق، اثر نوسانات گوناگون اقتصادی را بر جامعه خنثی کنند و تا حد زیادی از تحمیل هزینه‌های مختلف بر اقتصاد جلوگیری کنند. سیاست‌های مالی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند و زمینه‌ساز تشکیل سرمایه، رشد اقتصادی، ثبات، ایجاد اشتغال کامل، تجهیز منابع، ایجاد عدالت و تخصیص مجدد منابع شود (فلاحی و همکاران، ۱۳۸۸: ص ۱۱۰). دولت با اعمال سیاست مالی مناسب می‌تواند زمینه لازم را برای رسیدن به برابری درآمدی دهک‌های مختلف جمعیت ایجاد کند و به توزیع مجدد درآمدها دست بزند. سیاست مالی که توسط دولت اجرا می‌شود بخشی از سیاست‌های مدیریت تقاضا است و متغیرهای اصلی سیاست مالی دولت را جریان پرداخت‌ها و دریافت‌های دولت که در قالب بودجه آشکار می‌شوند را تشکیل می‌دهند (ابونوری و همکاران، ۱۳۸۹). ویگاس و ریبرو<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) بیان دارد که ترکیب مخارج دولت به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم نابرابری درآمد را تحت تأثیر قرار می‌دهد که یارانه‌ها و مالیات‌ها به‌طور مستقیم و مخارج صورت گرفته جهت خدمات عمومی مانند آموزش، بهداشت و ... از طریق کانال توانایی‌های افراد به‌طور غیرمستقیم بر توزیع درآمد تأثیر می‌گذارند.

## ۲.۲. سیاست پولی و توزیع درآمد

رومر و رومر<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) بیان می‌کنند که رابطه‌ی سیاست پولی انبساطی با توزیع درآمد در کوتاه‌مدت و بلندمدت دارای جهت‌های مخالف یکدیگر می‌باشند که این سیاست در کوتاه‌مدت به سبب رشد سریع تولید، توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد، و بلندمدت موجب یک تورم ماندگار در سطح بالا می‌شود. بنابراین سیاست پولی انقباضی برای کاهش تورم که می‌تواند در نهایت به افزایش بیکاری و فقر منجر شود. بر اساس مطالعه گالی<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) در بررسی تورم و سیاست‌های پولی بر نابرابری نشان داد که در کشورهایی با تورم بالا مواجهه هستند، سیاست‌های پولی انقباضی بیشتر در کاهش نابرابری مفید هستند و کاهش تورم در کشورهای با تورم پایین ممکن است که نابرابری را افزایش دهد.

به‌طور کلی سه کانال برای اثرگذاری سیاست پولی بر بهبود توزیع درآمد و شرایط فقر می‌توان در نظر گرفت: ۱- مهم‌ترین کانال این است که اعمال سیاست پولی انبساطی در یک دوره مشخص، متوسط درآمد آن دوره را افزایش و در نتیجه به‌طور مستقیم فقر را کاهش می‌دهد. زیرا افزایش درآمد موجب کاهش تعداد افرادی که زیر خط فقر قرار دارند، می‌گردد. این فرض با قبول اینکه توزیع درآمد در کوتاه‌مدت ثابت بماند، صحیح خواهد بود. ۲- سیاست پولی می‌تواند از طریق کاهش نرخ بیکاری و افزایش نرخ مشارکت نیروی کار و نیز دستمزد حقیقی در بین کارگرانی که مهارت‌های پایینی برخوردارند، منافع کوتاه‌مدتی را برای افراد فقیر به دنبال داشته باشد. از طرف دیگر درآمد افراد فقیر نسبت به سایر افراد جامعه، عمدتاً از طریق پرداخت‌های انتقالی حاصل می‌شود، از آنجایی که این پرداخت‌ها کمتر تحت تأثیر تغییرات دوره‌ای قرار می‌گیرند، اعمال سیاست پولی ممکن است وضعیت توزیع درآمد را بدتر کند و در نهایت به زیان افراد فقیر تمام می‌شود. لذا اثرات انتظاری سیاست پولی بر بهبود شرایط فقر از کانال دوم نسبت به کانال اول کمتر است. ۳- تورم به دنبال سیاست پولی انبساطی، می‌تواند از طریق کاهش ارزش واقعی دستمزدها و پرداخت‌های انتقالی منجر به بدتر شدن توزیع درآمد شده و نهایتاً به زیان افراد فقیر منتهی می‌شود (پروین و طاهری فرد، ۱۳۸۶).

## ۳. پیشینه پژوهش

سرخوندی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر سیاست پولی دولت بر توزیع درآمد برای سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۶ با استفاده از الگوی حداقل مربعات معمولی (OLS) پرداخته‌اند و نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که فرضیه تأثیرپذیری توزیع درآمد از سیاست پولی تأیید می‌شود و از طریق توان تولید است که می‌توان فقر را کاهش داد.

صادقی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر سیاست‌های مالی دولت بر توزیع درآمد برای سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۳ به‌صورت داده‌های فصلی برای ۹۹ متغیر با استفاده از الگوی FAVAR پرداخته‌اند. توابع عکس‌العمل آنی نشان می‌دهد که یک شوک مثبت به اندازه یک انحراف معیار در مخارج جاری دولت نابرابری را افزایش داده و موجب بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود. و شوک مخارج عمرانی دولت، شوک مالیات‌های مستقیم و شوک مالیات‌های غیرمستقیم با کاهش ضریب

<sup>1</sup> Free rider

<sup>2</sup> Viegas & Ribeiro

<sup>3</sup> Romer and Romer

<sup>4</sup> Galli

جینی توزیع درآمد را بهبود می‌بخشند و لذا نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که دولت می‌تواند با کاهش هزینه‌های جاری غیر مولد، افزایش هزینه‌های عمرانی هدفمند و تقویت سیستم مالیاتی الگوی توزیع درآمدی جامعه را به سمت برابری سوق می‌دهند.

شکوهیار (۱۳۹۵) به تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر شاخص توزیع درآمد در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته برای سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ با استفاده از مدل داده‌های ترکیبی Panel Data پرداخته است. حجم نقدینگی به‌عنوان شاخص سیاست پولی و هزینه‌های انتقالی دولت به‌عنوان شاخص سیاست مالی مورد استفاده قرار گرفته است. و نتایج تخمین الگو نشان داد که تأثیر سیاست مالی و پولی بر شاخص ضریب جینی در این دو گروه کشور منفی می‌باشد.

فطرس و معبودی (۱۳۹۵) به بررسی اثر تکانه‌های پولی و مالی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد ایران با استفاده از رویکرد تعادل عمومی تصادفی پویا در طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۱ پرداختند. نتایج توابع واکنش ضربه متغیرها نشان دادند که تکانه پایه پولی و تکانه مخارج دولت از طریق افزایش تولید کل، رشد اقتصادی را افزایش داده‌اند. تکانه مثبت پایه پولی و مخارج دولت نابرابری درآمدی را افزایش داده است. و از طرف دیگر تکانه بهره‌وری از طریق تأثیر بر تولید غیرنفتی رشد اقتصادی را افزایش داده است. تکانه درآمد نفتی از طریق تولید ناخالص داخلی رشد اقتصادی را افزایش داده تکانه‌های بهره‌وری و درآمد نفت، توزیع درآمد خانوارها را بدتر کرده در نتیجه نابرابری درآمدی خانوارهای کشور افزایش یافته است.

داوتیان<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) اثر توزیعی سیاست پولی را برای ایالات متحده مورد بررسی قرار داد و نشان دادند که سیاست پولی انقباضی نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد. غصوب و راید<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) به بررسی توسعه مالی، نابرابری درآمد، و اثرات توزیع مجدد سیاست‌های پولی می‌پردازند آن‌ها یک مدل تولید رشد پولی با عوامل ناهمگن ایجاد کردند که سیاست مطلوب نیاز به سنجش تأثیرات سیاست در دو گروه دارد که یکی صاحبان سرمایه و دیگری افرادی که دارایی‌های نقدینگی دارند. در این شرایط، آن‌ها اقتصادهای مختلفی را مقایسه کردند که از هر نظر یکسان هستند، به جز سطح توسعه مالی آن‌ها. و در پژوهش خود دریافتند که اقتصادهایی که در بالاترین مراحل توسعه مالی قرار دارند (اقتصادی که در آن پول، اوراق قرضه و مطالبات به سرمایه معامله می‌شود) تا زمانی که تورم پایین باشد، بیشترین میزان تشکیل سرمایه و رفاه اجتماعی را تجربه می‌کنند. با صرف نظر از میزان توسعه مالی، به‌طور کلی عواقب توزیع مجدد تورم وجود دارد. همچنین مدل آن‌ها پیش‌بینی می‌کند که اقتصادهای دارای بازار سهام نسبتاً کوچک بالاترین سطح نابرابری درآمد را تولید می‌کنند.

فورسری و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر شوک‌های سیاست پولی بر نابرابری درآمد پرداختند و معیاری از تغییرات پیش‌بینی نشده در نرخ‌های سیاست، تغییر در نرخ بهره کوتاه‌مدت که نسبت تغییرات غیرمنتظره در رشد و نرخ تورم است برای داده‌های پانلی از ۳۲ کشور بازار پیشرفته و در حال ظهور طی دوره ۱۹۹۰-۱۹۹۳ را بررسی کردند. و در پژوهش خود دریافتند که شوک‌های انقباضی سیاست پولی به‌طور متوسط نابرابری درآمد را افزایش می‌دهد. که این اثر نامتقارن است، تشدید سیاست باعث افزایش نابرابری بیش از کاهش آن می‌شود که این به وضعیت چرخه تجاری بستگی دارد و در نهایت افزایش غیرمنتظره نرخ سیاست‌ها نابرابری را افزایش می‌دهد، تغییرات نرخ سیاست‌های ناشی از افزایش رشد و تورم با نابرابری کمتری همراه است.

#### ۴. روش تحقیق

هدف از این پروژه تأثیر سیاست مالی و پولی بر توزیع درآمد (عدالت اقتصادی) است. که برای بررسی این هدف متغیر نابرابری (ضریب جینی) به‌عنوان متغیر وابسته و سیاست‌های مالی را متغیرهای مالیات مستقیم، مالیات غیرمستقیم، هزینه‌های عمرانی و هزینه‌های جاری، و سیاست‌های پولی را رشد نقدینگی، لگاریتم حجم پول، نرخ بهره اسمی به‌عنوان متغیر مستقل (توضیحی) در نظر گرفته شده است. منبع جمع‌آوری تمامی داده‌های آماری؛ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی است. دوره زمانی مورد بررسی برای سال‌های بعد از انقلاب اسلامی ایران می‌باشد.

سپس مدل مربوطه توسط الگوی DOLS در نرم‌افزار Eviews برآورد خواهد شد. که فرم مدل به شکل زیر خواهد بود:

$$Gini_t = -\alpha_t + \beta_1 SPR_t + \beta_2 Liq_t - \beta_3 RI_t - \beta_4 LMD_t - \beta_5 DT_t + \beta_6 IDT_t + \beta_7 Cj_t + \beta_8 Co_t \quad (1)$$

معرفی متغیرها و تعریف به شرح زیر می‌باشد:

Gini: ضریب جینی

$\alpha$ : عرض از مبدأ

SPR: سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین

Liq: رشد نقدینگی

RI: نرخ بهره اسمی

LMD: لگاریتم تقاضای پول

<sup>1</sup> Davtyan

<sup>2</sup> Ghossoub & Reed

<sup>3</sup> Furceri & et al

DT: مالیات مستقیم  
 IDT: مالیات غیرمستقیم  
 C: هزینه‌های جاری  
 Co: هزینه‌های عمرانی

کائو و چیانگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) دریافتند که الگوی OLS توزیع نرمال با میانگین غیر صفر دارد در حالی که دو الگوی FMOLS و DOLS توزیع مجانبی نرمال با میانگین صفر دارند. آن‌ها دریافتند که تخمین زن DOLS انحراف قابل ملاحظه‌ای در نمونه‌های محدود دارد و همچنین تخمین زن DOLS و FMOLS در برآورد معادلات پنل با تصحیح انحراف نسبت به OLS بهتر عمل می‌کند در نتیجه آن‌ها استفاده از تخمین زن DOLS را برای همگرایی و ریشه واحد پیشنهاد کردند (افشاری و ترکزبان، ۱۳۹۴). امتیاز مهم این تخمین زنده در آن است که برخلاف سایر تخمین زنده‌ها، لازم نیست همه سری‌های زمانی از نوع جمعی مرتبه اول I(1) باشند و می‌تواند در مواردی نیز که درجه جمعی متغیرها متفاوت است، استفاده شود (منظور و اینانلو، ۱۳۸۴).

### ۵. یافته‌های تحقیق

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد هدف از این تحقیق تأثیر سیاست مالی و پولی بر توزیع درآمد (عدالت اقتصادی) در ایران است. قبل از هر تخمینی ابتدا باید مانایی تمامی متغیرها به منظور کاذب نبودن رگرسیون بررسی شود که در تدوین این پژوهش از آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته (ADF) برای بررسی مانایی یا ریشه واحد متغیرها استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول (۱): بررسی آزمون مانایی

متغیر	Prob	مانایی
GINI	۰/۰۰۱۲	مانا
INCOME	۰/۰۰۰۵	مانا
LNT	۱/۰۰۰۰	نامانا
LT	۱/۰۰۰۰	نامانا
LCJ	۰/۰۳۰۷	مانا
COGRO	۰/۱۷۴۰	نامانا
INTERST	۰/۸۴۸۷	نامانا
LMD	۰/۵۷۲۰	نامانا
LIQGRO	۰/۰۰۷۴	مانا

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس جدول (۱) متغیرهای ضریب جینی، سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین، لگاریتم هزینه‌های جاری، رشد نقدینگی در سطح مانا می‌باشند یا عبارتی I(0) هستند. متغیرهای دیگر در سطح مانا نیستند و باید از آن‌ها تفاضل گرفت که تفاضل مرتبه اول متغیرها به صورت جدول زیر است:

جدول (۲): بررسی مانایی با یک بار تفاضل گیری

متغیر	Prob	مانایی
DLNT	۰/۰۰۲۸	مانا
DLT	۰/۰۰۰۰	مانا
DCOGRO	۰/۰۰۰۰	مانا
DINTERST	۰/۰۰۰۰	مانا
DLMD	۰/۰۰۰۲	مانا

منبع: یافته‌های تحقیق

<sup>1</sup> Chiang & Kao



بر اساس جداول فوق بعد از بررسی مانایی باید تخمین مورد نظر را انجام داد. که اثر متغیرهای سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین، سیاست‌های مالی؛ درآمدها و هزینه‌های دولت مانند: مالیات مستقیم، مالیات غیرمستقیم، لگاریتم هزینه‌های جاری، رشد هزینه‌های عمرانی در نظر گرفته شده است و سیاست‌های پولی را متغیرهای نرخ بهره، تقاضای پول و رشد نقدینگی در نظر گرفته شده سپس اثر این متغیرها را بر نابرابری (عدالت اقتصادی) بررسی شده است.

جدول (۳): نتایج حاصل از الگوی DOLS

	ضریب	t-Statistic	Prob
C	-۰/۱۶۰۲۹۲	-۶/۸۲۳۲۴۶۸	۰/۰۹۲۶
INCOME	۰/۰۰۶۹۰۵	۳۱/۰۳۶۷۲	۰/۰۲۰۵
DLNT	-۰/۰۲۱۱۵۱	-۶/۰۶۸۴۹۰	۰/۱۰۴۰
DLT	۰/۰۳۷۵۰۲	۳۳/۲۸۰۶۱	۰/۰۱۹۱
LCJ	۰/۰۲۲۴۰۴	۱۶/۴۳۶۶۵	۰/۰۳۸۷
DCOGRO	۰/۰۰۰۱۶۲	۹/۵۲۰۸۵۴	۰/۰۶۶۶
DINTERST	-۰/۰۰۸۰۰۷	-۳/۰۵۰۱۹۳	۰/۰۲۰۹
DLMD	-۰/۰۲۶۹۴۸	-۱۶/۲۶۱۸۸	۰/۰۳۹۱
LIQGRO	۰/۰۰۱۶۶۴	۱۳/۳۹۵۲۹	۰/۰۴۷۴

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول شماره (۳) حاکی از این است که؛ متغیر سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین رابطه بلندمدت مثبت و معناداری بر متغیر نابرابری دارد و ضریب این متغیر ۰۰۰۶۹۰۵ برآورده شده است که این ضریب نشانگر این است که با یک درصد افزایش در سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین، نابرابری در بلندمدت به میزان ۰۰۰۰۶ درصد افزایش خواهد یافت. بنابراین بهتر است که سیاست‌های حمایتی به سمتی باشند که سهم دهک‌های پایین درآمدی را افزایش دهند.

اثر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد به این شرح است که اثر متغیر مالیات مستقیم رابطه بلندمدت منفی و غیرمعناداری بر متغیر نابرابری را نشان می‌دهد و ضریب برآورده شده ۰۰۲۱۱۵۱ است یعنی با افزایش یک درصد در مالیات مستقیم، نابرابری در بلندمدت به میزان ۰۰۲۱ کاهش می‌یابد. افزایش در مالیات‌های مستقیم ضریب جینی را کاهش داده است و موجب بهبود پایدار توزیع درآمد می‌شود. این نتیجه با یافته‌های مطالعات مهر آرا و اصفهانی (۱۳۹۴) و هیگینز و پریرا<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) و همچنین کرودو<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) سازگاری دارد که پرداخت کنندگان مالیات‌های مستقیم نمی‌توانند آن را به دیگران منتقل کنند. لذا اثرات توزیعی این نوع مالیات‌ها مانع از تمرکز ثروت خواهد بود و به همین جهت می‌تواند به صورت پایداری فاصله طبقاتی را ترمیم و توزیع درآمد را بهبود بخشد. ولی رابطه مثبت و معناداری بین مالیات غیرمستقیم با نابرابری در بلندمدت با ضریب ۰۰۳۷۵۰۲ مشاهده شد به این معناست که به‌طور متوسط در بلندمدت با افزایش در مالیات غیرمستقیم، نابرابری ۰۰۳ درصد افزایش خواهد یافت. عصارای آرنای و همکاران (۱۳۹۰) بیان کردند که تأثیر سیاست‌های مالی دولت بر ضریب جینی ثابت نبوده و دارای اثرات متفاوتی است. مخارج مصرفی دولت و درآمدهای مالیاتی اثرات معکوسی بر فقر و نابرابری داشته است که می‌توان آن را ناشی از ضعف سیستم مالیاتی دانست (رهبر و سرگلزایی ۱۳۸۹).

همچنین درباره هزینه‌های دولت رابطه بلندمدت مثبت و معناداری، بین لگاریتم هزینه‌های جاری با نابرابری با ضریب ۰۰۲۲۴۰۴ برآورده شد. یعنی با افزایش یک درصد در هزینه‌های جاری ۰۰۲۲ درصد نابرابری افزایش می‌یابد. مخارج جاری دولت به‌طور مستقیم اثری بر قدرت تولید جامعه ندارد بلکه صرفاً برای عده‌ای درآمد ایجاد کرده و امکان بهره‌مند شدن اقشار کم‌درآمد را فراهم نمی‌کند افزایش در مخارج جاری دولت در افزایش و موجب بدتر شدن توزیع درآمد در جامعه می‌شود (صادقی و همکاران ۱۳۹۶). متغیر رشد هزینه‌های عمرانی رابطه بلندمدت مثبت و غیرمعناداری بر متغیر نابرابری را نشان می‌دهد و ضریب برآورده شده ۰۰۰۰۱۶۲ است یعنی با افزایش یک درصد در رشد هزینه‌های عمرانی، نابرابری در بلندمدت به میزان ۰۰۰۰۱ درصد افزایش می‌یابد. فطرس و معبودی (۱۳۹۵) نشان دادند که تکانه‌های مخارج دولت اثر مثبت بر نابرابری درآمد داشته است و نابرابری درآمد را افزایش داده است. خانوارهای فقیر از طریق کارکردن امرار معاش می‌کنند در اثر افزایش نقدینگی و تورم اقتصادی افزایش و دستمزد حقیقی کارکنان کاهش یافته است و وضعیت درآمدی خانوارهای فقیر را بدتر کرده و نابرابری درآمدی را افزایش داده است. در اقتصاد ایران دولت محرک اصلی تولید است اما دولت به دلیل وابستگی به درآمد نفت در تخصیص عادلانه منابع اقتصادی فاقد کارایی لازم است بنابراین افزایش مخارج دولت همراه با مدیریت ضعف منابع اقتصادی افزایش نابرابری درآمدی خانوارها را در پی داشته است. بنابراین می‌توان پیشنهاد کرد افزایش هزینه‌های توزیع مجدد از طریق افزایش درآمدهای مالیاتی دولت می‌تواند فاصله درآمدی خانوارها و در نتیجه نابرابری درآمد را کاهش دهد بنابراین دولت قادر است با برنامه‌ریزی مناسب و تصحیح الگوی توزیع منابع مالی و خود نابرابری درآمدی را کاهش دهد.

<sup>1</sup> Higgins & Pereira

<sup>2</sup> Crudu

اثر سیاست‌های پولی بر توزیع درآمد به این صورت است که اثر متغیر نرخ بهره اسمی رابطه بلندمدت منفی و معناداری بر متغیر نابرابری را نشان می‌دهد و ضریب برآورده شده ۰۰۰۸۰۰۷ است یعنی با افزایش یک درصد در نرخ بهره اسمی، نابرابری در بلندمدت به میزان ۰۰۰۸ درصد کاهش می‌یابد. عسکری و همکاران در سال ۱۳۹۸ نشان دادند که رابطه نرخ بهره و توزیع درآمد موضوع اقتصاد کلان است و برای گروه‌های مختلف جامعه آثار خود را بر جا خواهد نهاد فاصله طبقاتی به‌عنوان ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی به دنبال خود آثار فراوانی را بر جای می‌گذارد و بر این اساس لازم است مکانیزم و فرایند این اثرگذاری شناسایی و تبیین گردد. با توجه به نقش منفی نرخ بهره در توزیع درآمد اقتصاد کلان برای جلوگیری از ساختار ناعادلانه درآمد پیشنهاد می‌کند که نهادهای پولی غیر مبتنی بر نرخ بهره طراحی و شکل گیرند در این خصوص می‌توان به دو گروه نهادی اشاره کرد ۱- نهادهای پولی مبتنی بر انگیزه و بهره‌مندی از تسهیلات برای سپرده‌گذاری (با پرداخت هزینه‌های معین اداری و اجرایی نهاد پولی مستقل از زمان). ۲- شکل‌گیری صندوق‌های فراگیر و تخصصی سرمایه‌گذاری جهت برخورداری از بازده سرمایه به‌جای بهره پول.

متغیر لگاریتم تقاضای پول رابطه بلندمدت منفی و معناداری بر متغیر نابرابری را نشان می‌دهد و ضریب برآورده شده ۰۰۲۶۹۴۸ است یعنی با افزایش یک درصد در تقاضای پول، نابرابری در بلندمدت به میزان ۰۰۲ درصد کاهش می‌یابد. لایدل<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۷ در این زمینه می‌نویسد در سطح کلان اقتصادی نه تنها تقاضای پول برای پول تابعی از سطح درآمد GNP است بلکه به چگونگی توزیع درآمد بستگی دارد. قره‌باغیان و سوری در سال ۱۳۷۶ نشان دادند که رابطه معکوس میان توزیع درآمد و تقاضای پول وجود دارد.

رابطه مثبت و معناداری بین رشد نقدینگی با نابرابری در بلندمدت با ضریب ۰۰۰۱۶۶۴ مشاهده شد به این معناست که به‌طور متوسط در بلندمدت با افزایش در رشد نقدینگی، نابرابری ۰۰۰۱ درصد افزایش خواهد یافت. همان‌طور که بر اساس آمار و ارقام برای سال‌های بعد از انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد که پیگیری سیاست‌های پولی انبساطی مقام پولی نه تنها سبب افزایش تقاضا و رشد اقتصادی در برابر رکود تورمی نشده است، بلکه باعث افزایش بی‌ثباتی در نظم بانکی و افزایش تورم و حرکت نقدینگی به سمت فعالیت‌های نامولد شده است (محمودی‌نیا، ۱۳۹۸: ص ۶۴) در نتیجه می‌توان گفت که، این فعالیت‌های نامولد باعث نابرابری بیشتر در کشور می‌شود بنابراین بهتر است که کنترل نقدینگی صورت گیرد تا به کاهش نابرابری منتج شود. فطرس و معبوی (۱۳۹۵) بیان کردند که تکانه‌های رشد نقدینگی وضعیت درآمدی خانوارهای فقیر را بدتر کرده و نابرابری درآمدی را افزایش داده است.

آماره احتمال تمامی متغیرها نشانگر آن است که در سطح ۹۵ درصد معنادار بوده است به جزء متغیرهای لگاریتم مالیات مستقیم و رشد هزینه‌های عمرانی در سطح ۹۵ درصد معنادار نبوده است.

#### ۶. نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین اهداف مطالعات توسعه‌ای، کاهش فقر و تعامل آن با عدالت است. از این‌رو، این پژوهش اثر سیاست‌های مالی و پولی را بر عدالت اقتصادی ایران برای سال‌های بعد از انقلاب اسلامی ایران با استفاده از مدل رگرسیون DOLS بررسی می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان داد که سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین رابطه بلندمدت مثبت با نابرابری دارد. در خصوص سیاست‌های مالی، متغیر مالیات مستقیم اثری مثبت، مالیات غیرمستقیم اثری منفی با نابرابری داشته‌اند و هزینه‌های دولت عمرانی و جاری تأثیر مثبت بر عدالت اقتصادی داشته‌اند. اثر سیاست‌های پولی به این شرح است که نرخ بهره اسمی و تقاضای پول رابطه منفی و رشد نقدینگی رابطه مثبت با عدالت اقتصادی داشته‌اند. لذا لازم است که سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان کلان کشور شناخت درستی از عدالت اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن با توجه وضعیت و شرایط اقتصادی کشور برای تجزیه و تحلیل بهتر مسائل و همچنین ارائه راهکارهای صحیح و مناسب جهت برقراری عدالت بیش از گذشته مورد توجه و اهمیت قرار دهند.

#### تقدیم

این پژوهش با تمام کم و کاستی‌هایش تقدیم به ساحت مقدس امام زمان (عج) و همچنین تقدیم به روح پدر عزیزم حاج محمد بیدمال

#### منابع

- 1) De Mello, L., & Tiongson, E. R. (2006). Income inequality and redistributive government spending. *Public finance review*, 34(3), 282-305.
- ۲) صادقی، ک، بهشتی، م. ب، رنج پور، ر، ابراهیمی، س. ۱۳۹۶. سیاست‌های مالی و توزیع درآمد در ایران: رهیافت FAVAR. فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ۱۱(۳)، ۷۵-۹۸.
- ۳) دیرباز، ع. ۱۳۸۰. عدالت اقتصادی در کلام و سیره علی (ع). مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۲۷.
- ۴) بیدمال، ن. ۱۳۹۹. مرور و بررسی عدالت در سطح کلان اقتصادی از دیدگاه اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی ایران. دومین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه.
- ۵) هادی زنور، ب. ۱۳۸۴. فقر و نابرابری در ایران. رفاه اجتماعی، ۴(۱۷)، ۱۶۲-۲۰۳.
- ۶) باقری، ف.، کاوند، ح. ۱۳۸۷. اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری در ایران (۱۳۷۵-۱۳۸۴). فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۷(۲۸)، ۱۷۳-۱۹۰.
- ۷) انصاری نسب، م.، افریشم، س.، بیدمال، ن. ۱۳۹۹. همگونی و نگاه عدالت محور به بخش سلامت لازمه الگوی پیشرفت. سیزدهمین کنگره ملی پیشگامان پیشرفت، ۱۹۷-۲۰۳.
- 8) World Bank. (1992). *Governance and Development*. Washington, D.C.: The World Bank.
- ۹) تولارد، مایکل. ۱۳۷۰. توسعه اقتصادی کشورهای جهان سوم. ترجمه‌ی غلامعلی فرجادی.

<sup>1</sup> Laidler

- (۱۰) گسگری، ر.، اقبالی، ع. ر. ۱۳۸۶. مخارج دولت و رشد اقتصادی در ایران. تحقیقات اقتصادی، (۸۱)، ۲۰۹-۲۲۶.
- (۱۱) فلاحی، ع.ف. الماسی، م.، آقایی، ف. ۱۳۸۸. تأثیر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۸۴. دوفصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای اقتصادی، (۱۱)۶، ۱۰۹-۱۳۱.
- (۱۲) ابونوری، ا.، کریمی پتانلار، س.ف. مردانی، م.ر. ۱۳۸۹. اثر سیاست مالی بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران: رهیافتی از روش خود رگرسیون برداری. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۰(۳)، ۱۱۷-۱۴۳.
- 13) Viegas, M., & Ribeiro, A. P. (2013). Welfare-improving government behavior and inequality in a heterogeneous agents model. *Journal of Macroeconomics*, 37, 146-160.
- 14) Romer, C. D., & Romer, D. H. (1998). *Monetary policy and the well-being of the poor* (No. w6793). National bureau of economic research.
- (۱۵) پروین، س.، طاهری فرد، ا. ۱۳۸۷. تأثیر سیاست‌های پولی بر فقر و توزیع درآمد (مطالعه موردی اقتصاد ایران). پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار (پژوهش‌های اقتصادی)، (۴)۸، ۹۵-۱۲۸.
- (۱۶) سرخوندی، م.ف. سهیلی، ک.، فتاحی، ش. ۱۳۹۸. تأثیر سیاست پولی بر نابرابری درآمد. فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، (۲۹)، ۱۹۵-۲۰۹.
- (۱۷) شکوهیار، ش. ۱۳۹۵. تأثیر سیاست پولی و مالی بر شاخص توزیع درآمد (مطالعه موردی کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته منتخب). چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری.
- (۱۸) فطرس، م. ح.، معبودی، ر. ۱۳۹۵. اثر تکانه‌های پولی و مالی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد ایران: رویکرد تعادل عمومی تصادفی پویا. فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، (۱۹)۵، ۵۹-۸۲.
- 19) Davtyan, K. (2017). The distributive effect of monetary policy: The top one percent makes the difference. *Economic modelling*, 65, 106-118.
- 20) Furceri, D., Loungani, P., & Zdzienicka, A. (2018). The effects of monetary policy shocks on inequality. *Journal of International Money and Finance*, 85, 168-186.
- 21) Kao, C., & Chiang, M. H. (2000). On the estimation and inference of a cointegrated Regression in panel data. En: *Nonstationary Panels, Panel Cointegration and Dynamic Panels*, 15, 179-222.
- (۲۲) افشاری، ز.، ترکزبان، م. ۱۳۹۴. مقایسه سطح توسعه اقتصادی و گذار جمعیتی در کشورهای درحال توسعه و توسعه‌نیافته (با استفاده از روش DOLS). فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهراء (س)، (۷)۳، ۹-۲۷.
- (۲۳) منظور، د.، نوری اینانلو، ع. ۱۳۸۴. تخمین تابع تقاضای انرژی خانگی در ایران: رویکرد حداقل مربعات معمولی پویا. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، (۲۷)، ۸-۲۱.
- (۲۴) مهرآرام، اصفهانی، پ. ۱۳۹۴. بررسی رابطه بین توزیع درآمد و ساختار مالیاتی کشورهای منتخب. پژوهشنامه مالیات، (۲۸)، ۲۰۹-۲۲۸.
- 25) Higgins, S., & Pereira, C. (2014). The effects of Brazil's taxation and social spending on the distribution of household income. *Public Finance Review*, 42(3), 346-367.
- 26) Crudu, R. (2015). The influence of fiscal policy on income inequality in European Union's member states. *Business Systems & Economics*, 5(1), 46-60.
- (۲۷) عسگری آرائی، ع.، عاقلی کهنه شهری، ل.ع.، شفیعی، س.، رسولی میر، م. ۱۳۹۰. بررسی تأثیر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد در ایران. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۱(۱)، ۳۱-۴۸.
- (۲۸) رهبر، ف.، سرگلزایی، م. ۱۳۸۹. بررسی آثار سیاست‌های مالی بر رشد اقتصادی و فقر طی دوره‌ی ۱۳۶۳-۱۳۸۶. تحقیقات اقتصادی، (۹۶)۴۶، ۸۹-۱۱۰.
- (۲۹) صادقی، ک.، بهشتی، م. ب.، رنج پور، ر.، ابراهیمی، س. ۱۳۹۶. سیاست‌های مالی و توزیع درآمد در ایران: رهیافت FAVAR. فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، (۳)۱۱، ۷۵-۹۸.
- (۳۰) عسگری، س. ا.، پورکاظمی، م. ح.، بیابانی، ج. ۱۳۹۸. تحلیل ریاضی آثار نرخ بهره پولی بر توزیع درآمد شخصی در یک ساختار اقتصاد کلان. فصلنامه اقتصاد و الگوسازی دانشگاه شهید بهشتی، (۱)۱۰، ۱۶۱-۱۸۶.
- 31) Laidler, D. E. (1977). The demand for money: theories and evidence.
- (۳۲) قره‌باغیان، م.، سوری، د. ۱۳۷۶. تقاضای پول و توزیع درآمد (۱۳۳۸-۱۳۷۲). مجله برنامه و بودجه، (۱۵)، ۳-۱۲.
- (۳۳) محمودی نیا، د. ۱۳۹۸. سیاست‌های پولی بانک مرکزی و نقش آن در بروز بحران‌های بانکی اقتصاد ایران در چارچوب شاخص تعدیل شده فشار بازار پول. فصلنامه پژوهش‌های و سیاست‌های اقتصادی، (۲۷)۸۹، ۶۱-۹۷.
- (۳۴) فطرس، م. ح.، معبودی، ر. ۱۳۹۵. اثر تکانه‌های پولی و مالی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد ایران: رویکرد تعادل عمومی تصادفی پویا. فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، (۱۹)۵، ۵۹-۸۲.